

جلسات شرح و تفسیر



حجت الاسلام و المسلمین استاد

محمد جواد حاج علی اکبری



موضوع:

دعای هشتم (پناه بردن به خدا)

جلسه ۶۱

۱۳۹۵ / ۰۴ / ۲۸

- مؤمن همواره از مکر شیطان به خدا پناه می‌برد
- شیطان بر انسان تسلطی ندارد
- ترسیم عملیات شیطان در قرآن
- مقام شکر، جامع تمام مقامات است
- شیطان از چه راه‌هایی علیه انسان اقدام می‌کند؟
- دشمنی که نباید دست کم گرفته شود
- حوزه‌های عملیات شیطان
- کمین‌گاه‌های شیطان
- چه باید کرد؟

یادآوری می‌کنیم.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
ردالمند

مؤمن همواره از مکر شیطان به

خدا پناه می‌برد

ما در جلسه‌ی گذشته یادآوری کردیم که گویا عنوان «وَأَنَّ يَسْتَحْوِذَ عَلَيْنَا الشَّيْطَانُ» شامل تمام مواردی است که تا به حال از آنها به خدای متعال پناه می‌بردیم. فهرستی که در دعای هشتم مورد بحث قرار گرفته، همه ذیل همین عنوان قرار می‌گیرد. در موارد قبلی به شیوه‌های تسلط شیطان بر انسان نیز می‌توانید وقوف پیدا کنید؛ متنها در اینجا می‌خواهد تأکید شود بر نقشی که این وجود ملعون دارد و از این منظر، طرح یک موضوع تازه است و

از جمله مواردی که در دعای نورانی هشتم صحیفه، تحت عنوان پناه بردن به خدای متعال قرار گرفته و تأکید شده، تسلط شیطان بر انسان است که با این عبارت آمده است: «وَأَنَّ يَسْتَحْوِذَ عَلَيْنَا الشَّيْطَانُ».

در جلسه‌ی گذشته، به توفیق الهی، مقدمات اصلی بحث مطرح شد و رسیدیم به بحث بسیار مهم آشنایی با روش‌های شیطان برای تسلط بر انسان یا به عبارتی راه‌های تسلط شیطان. ان‌شاءالله در این زمینه مطالبی را عرض می‌کنیم و شیوه‌ی مقابله با شگردهای شیطانی را نیز

شیطان بر انسان تسلطی ندارد

در بحث گذشته همچنین تأکید شد که شیطان نمی‌تواند ما را مسلوب‌الاختیار کند و نقش شیطان عمدتاً مداخله‌گری و وسوسه‌انگیزی است. خدای متعال برای شیطان، تسلط بر ما را قرار نداده است. در قرآن به نقل از شیطان تعبیر خیلی جالبی آمده است که من همه را فریب می‌دهم، مگر بندگان مخلص را و خدای متعال به او جواب داد که: «إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ» [۱] در حقیقت، تو را بر بندگان من تسلطی نیست، مگر کسانی از گمراهان که تو را پیروی کنند».

صرفاً یادآوری مطالب گذشته نیست؛ بلکه یادآوری یک دشمن فنان و آشنا به قوت‌ها و ضعف‌های ما است. لذا جدی گرفتن او، شناخت او و آشنایی با شگردهای او و برنامه‌ریزی برای مقابله‌ی هوشمندانه‌ی با او، دستور کار همیشگی یک انسان مؤمن است و هیچ وقت از کید و عملیات او در امان نیستیم. اگر ان‌شاءالله به سلامت و عافیت از این منزل بگذریم و حسن عاقبت داشته باشیم، دسترسی شیطان به ما قطع می‌شود. و الا تا هستیم، شیطان پیگیر است تا به ما ضربه بزند.

او گفت من همه را اغوا خواهم کرد و گویا بر همه مسلط است؛ اما خطاب شد که تو بر عموم بندگان تسلط نداری و در واقع، نفی سلطه شد. نقش شیطان، در حد اغواگری و وسوسه‌انگیزی مطرح می‌شود.

درست در مقابل شیطان که پنهان است، خدای تبارک و تعالی فرشتگان را قرار داده که نقش الهام‌بخشی در مسیر خیر و صلاح و سداد را دارند. بنابراین نیروها موازن هستند و بلکه به نفع جبهه‌ی خیر است و عقل و فطرت ما، و وحی و حضور جریان عالی نبوت و اولیای کامل و خیل عظیم فرشتگان، کمک انسان هستند. البته شیطان هم کار خودش را انجام می‌دهد.

ترسیم عملیات شیطان در قرآن

در اوایل سوره‌ی اعراف، به مناسبت آفرینش انسان و استتکاف شیطان از سجده، موضوع شیطان و عملیات او به طور مفصل مطرح شده است. ما امروز این آیه‌ی نورانی را مرور خواهیم کرد و

یک دسته‌بندی از شیوه‌های عملیات شیطان به صورت فهرست‌وار عرض می‌کنیم و بعد هم راه‌های مقابله با آن را مطرح خواهیم کرد.

آیه مذکور بیان می‌دارد: «قَالَ فَبِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ ثُمَّ لَا تَنبَهُهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ» [۲] گفت: پس به سبب آنکه مرا به بیراهه افکندی، من هم برای [فریفتن] آنان حتماً بر سر راه راست تو خواهم نشست. آنگاه از پیش رو و از پشت سرشان و از طرف راست و از طرف چپشان بر آنها می‌تازم و بیشترشان را شکرگزار نخواهی یافت».

در این آیه‌ی مبارکه بحث کمین گرفتن آمده است. کلمه‌ی «لَأَقْعُدَنَّ» به همین معنا است. همچنین مسئله‌ی هجوم همه‌جانبه و از چهار جهت مطرح شده است. «لَا تَنبَهُهُمْ» با تأکید مطرح شده، یعنی رها نمی‌کند و از همه طرف عملیات می‌کند. عملیات از چهار سو پیام دارد و آن اینکه هیچ انسانی از هیچ طرفی از حمله‌ی شیطان در امان نیست و در محاصره‌ی شیطان قرار می‌گیرد. اما چرا در این آیه، بالا و پایین مطرح نشده است؟ در بعضی از بیانات مفسرین آمده که اشاره به دعا و سجده دارد و البته این دقیق نیست و در بیان نبوی شریف هست که: خدایا! من از راست و چپ و

بالا و پایین به تو پناه می‌برم. می‌کند تا بدانیم شیطان از تمام این دعا نشان می‌دهد که حتی سجده و دعای ما از عملیات شیطانی در امان نیست. منتها نقل‌هایی در این زمینه هست و ما از این جهت می‌توانیم به این نکته توجه کنیم که گویا راه نجات از این دو طرف هست و کثرت دعا و افتادن به سجده و

راه‌ها علیه ما عملیات می‌کند. قرآن به ما می‌گوید که یمین و شمال در جغرافیای باطنی معنا دارد و یک سمت، سمت گناهان و معصیت‌ها است و یک منطقه هم منطقه‌ی خیرات و خوبی‌ها و اینها ارتباطی به اقالیم ظاهری ندارد.

تضرع به ساحت قدس ربوبی و کمک‌خواهی، باعث نجات است. و الا انسان از هیچ‌سو در امان نیست. مضاف بر اینکه شیطان از جهات جغرافیایی به انسان حمله نمی‌کند؛ بلکه این یک بیان لطیف است که طی آن خدای متعال به زبان خود شیطان ملعون به ما خبر می‌دهد و حجت را بر ما تمام

اهل بیت توضیح می‌دهند که مقابل، راست و چپ به چه معنا است و بر اساس همین روایات توضیحاتی را عرض می‌کنم.

مقام شکر، جامع تمام مقامات

است

«وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ». بیان دقیق علامه در المیزان، ذیل این قسمت آیه این است که اگر

انسان به مقام شکر برسد، به
 مقام مخلصین رسیده و از دسترس
 شیطان دور می‌شود. شیطان حتی
 سراغ انبیا هم می‌رود و القائاتی
 دارد، اما بر آنها هیچ اثری ندارد
 و به یک سپر محکم می‌خورد. حضرت
 علامه می‌فرمایند اگر
 انسان به مقام شکر محض
 برسد، این شکر محض، جامع
 همه‌ی مقامات است. پس شکر
 جامع، جامع همه‌ی مراتب و
 مقامات انسانی محسوب می‌شود.
 این قسمت از آیه می‌خواهد
 بگوید عده‌ی اندکی به مقام شکر
 مطلق می‌رسند و آنها از عملیات
 شیطان مصون هستند. شیطان سعی
 می‌کند بیشتر انسان‌ها به شکر
 نرسند که این یک افشا از زبان
 خود شیطان است و معنای آن
 این است که مقابله‌ی همه‌جانبه
 و دقیق با عملیات شیطان، از
 طریق «شکر» میسر می‌شود.
 شکر یک معنای جامع دارد که
 شامل تمام وجوه برّ می‌شود و
 انسان مؤمن وقتی درست می‌بیند
 و درست می‌شنود و درست
 فکر می‌کند و درست حرکت
 می‌کند، دارد شکر می‌کند. ادای
 حق نعمت، به هر نحو ممکن
 می‌شود شکر. ما غرق نعمت
 هستیم؛ اعم از ظاهری و باطنی.
 ادای حق این نعمت‌ها نوعی
 شکر است؛ لذا شیطان دنبال این
 است که ما را به منطقه‌ی کفر و
 کفران ببرد. شیطان سعی می‌کند
 یا انسان را کافر کند یا به کفران
 بکشد که کفران همین است که

و...؛ چنان‌که قرآن می‌فرماید:

«يَعِدُّهُمْ وَيَمْنِيهِمْ وَمَا يَعِدُّهُمْ

الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا» [۳] شیطان

به آنان وعده می‌دهد و ایشان

را در آرزوها می‌افکند و جز

فریب به آنان وعده نمی‌دهد»

و «إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ

أَوْلِيَاءَهُ» [۴] در واقع این شیطان

است که دوستانش را می‌ترساند».

این می‌شود منطقی «مِنْ بَيْنِ

أَيَّدِيهِمْ».

اما منطقی دوم می‌شود: «وَمِنْ

خَلْفِهِمْ» که کنایه از اعمال و

آثاری است که از انسان باقی

می‌ماند. این هم شامل اموال

و اولاد و آثار و اعمال می‌شود

و عملیات شیطان از همان جنس

است؛ هم از قبیل تخویف است

و هم از قبیل یمنیهم. آنجا به

انسان حق نعمت‌ها را ادا نکند و

نعمت‌ها را زیر پا گذارد.

شیطان از چه راه‌هایی علیه انسان

اقدام می‌کند؟

«مِنْ بَيْنِ أَيَّدِيهِمْ» منطقی مقابل

چيست؟ این منطقی عبارت است از

همین زندگی دنیایی که روبه‌روی

شما است و هر چیزی که نفس

ما به آن تمایل نشان می‌دهد که

اموال، اولاد، ثروت، دارایی و... را

شامل می‌شود. هم لذت‌های

انسان در همین منطقی تعریف

شده و هم نگرانی‌هایش. شیطان

هم از همین دو نقطه عملیات

می‌کند؛ یکی آرزوهای رنگارنگ

و طولانی و تولید دلبستگی‌ها

و دوم از طریق خوف و سوء

ظن مثل ترس از کمبود رزق

اعتبار آینده است و پشت سر به اعتبار گذشته؛ نظیر اصل و نسب و حسب و... آیه‌ی کریمه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ»؛ [۵] ای کسانی که

و اعمال صالح است. عمده‌ی فشار شیطان برای کسانی که در طریق ایمان، پیشرفته‌تر عمل می‌کنند، از همین ناحیه است. به این ترتیب که اعمال شخص را تزیین می‌کند تا او را گرفتار عجب کند.

ایمان آورده‌اید، [زنها] اموال شما و فرزندان شما را از یاد خدا غافل نگردانند و هر کس چنین کند، آنان خود زیانکارانند» ناظر به همین منطقه است.

«وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ» عبارت از سمت راست است. اینجا یک تنوع کلامی است و از حرف «عن» استفاده می‌شود که تنوع زیبایی دارد و متناسب با جهات است. سمت راست، سمت خوبی‌ها و نیکی‌ها و عبادات عزم انسان، حائل ایجاد می‌کند. در حوزه‌ی عبادات، وسواس نیز از شگردهای شیطان است. تردید در صحت به گونه‌ای که شاهد عبادت را بگیرد و اسراف و گناه کبیره هم انجام شود، از کارهای شیطان است.

گویا وسواس در خانم‌ها از نظر کمی بیشتر است و در مردها از نظر کیفی. زمانی که طلبه بودیم، کسی می‌آمد و در حوض مدرسه‌ی ما حدود دو ساعت قبل از اذان وضو می‌گرفت و به نماز هم نمی‌رسید و همیشه دیرتر می‌رسید. بعد هم از طلبه‌ها خواهش می‌کرد که بیایید و بایستید و به من بگویید که من الان مشغول چه عملی هستم، و گر نه وسواس باعث می‌شود نماز ظهر و عصر من قضا شود! رفقا خیلی مراقب باشند و در این چیزها اصلاً توقف و درنگ نکنید. حکم شرعی این است که جایی که انسان گرفتار شک زیاد می‌شود، عبور کند. شیطان در وضو خیلی دخالت می‌کند.

اصلاً در وضو معطل نشوید. با یک لیوان آب و ظرف یک دقیقه می‌شود وضو گرفت؛ مگر آنکه تأنی به دلیل دعا باشد.

«وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ» منطقه‌ی فحشا و منکرات و معصیت‌ها و کژی‌ها و زشتی‌ها و پلشتی‌ها است. اینجا هم نانجیب عملیاتش شامل تولید غفلت و نزغ (به معنای سیخک زدن) و وسوسه و ترغیب به سمت گناهان و تزئین و تصغیر گناهان (همان استصغار المعصیه) و... می‌شود. شناخته‌شده‌ترین بخش عملیاتی دشمن، «شمائل» است و پنهان‌ترین بخش، «عن ایمانهم». کسی باور نمی‌کند که شیطان از طریق روزه و نماز و ذکر (همان ذکر بازی) هم سراغ انسان بیاید.

عمدتاً عملیات شیطان از طریق پیش رو و پشت سر، بازی با دل انسان است و تکیه بر اموال و اولاد و دارایی‌ها. در این قسمت کارهایش ظریف‌کاری و خدعه است و یک‌جا تزیین می‌کند تا دلبسته شوی و یک‌جا تخویف می‌کند.

دشمنی که نباید دست‌کم گرفته شود

شیطان یک دشمن عادی نیست که بشود او را دست‌کم گرفت و انسان از ناحیه‌ی او احساس ایمنی کند. هر وقت ما از ناحیه‌ی شیطان احساس ایمنی کنیم، ساقط می‌شویم.

این آیه قرآن کریم که «إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا» [۶] در حقیقت شیطان

در یک سلسله روایات، مواجهه‌های انبیا و شیطان مطرح شده که نکات جالبی در آنها است؛ از جمله آنکه موسی (علیه السلام) از شیطان درباره گناهی پرسید که باعث تسلط شیطان می‌شود. نانجیب گفت: اول وقتی که عجب پیدا می‌کند؛ زیرا پس از آن هر چه اعمال صالح انجام دهد، فایده‌ای ندارد. مورد دوم، وقتی است که اعمال خودش

دشمن شما است. شما [نیز] او و شاکله و سوابق و موقعیت‌ها را دشمن گیرید»، یادآوری یک فضای بسیار جدی و خطرناک است و معنایش آن است که او به هر شکل ممکن سعی می‌کند به شما ضربه بزند. شیطان یک دشمن قسم‌خورده و کینه‌ای است که سعی می‌کند در امور دنیوی و اخروی به انسان ضربه بزند. شیطان بر اساس شناخت عملیات می‌کند و از قوت‌ها و ضعف‌ها و موقعیت‌های ما شناخت کامل دارد. این شناخت هم اجمالی نیست؛ بلکه تفصیلی و دقیق است و بهتر از شما، شما را می‌شناسد. منافذ شخصیتی شما را خوب می‌شناسد و این به ما می‌گوید که باید سراغ معرفت نفس برویم. او با جزئیات و ویژگی‌ها و شاکله و سوابق و موقعیت‌ها و شرایط (اعم از جنس و سن و صنف و...) ما را می‌شناسد؛ مثلاً برای آخوندها و معلم‌ها و کاسب‌ها و راننده‌ها و مهندس‌ها و... بر اساس شغلشان برنامه‌ها دارد و خیلی فنان است. برای موقعیت‌هایی نظیر موفقیت و شکست و... نیز برنامه دارد. سبک عملیات شیطان هم هیچ قاعده‌ی خاصی ندارد و از هر روشی استفاده می‌کند؛ اعم از کمین و محاصره و هجوم و... در قرآن، عمده‌ی عملیات شیطان در قالب اضلال و اغوا مطرح شده است. سیاست‌های اجرایی و عملیاتی این ملعون خبیث هم اینها است: همجه‌ی همه‌جانبه، همجه‌ی

گام‌به‌گام، پیگیری و دوام (شیطان

خسته و ناامید نمی‌شود، مگر

آنکه شما وارد جرگه‌ی مخلصین

شوید یا بمیرید!)، هجوم جمعی

و...

من خیال شما را راحت کنم:

هیچ‌جا نیست مگر اینکه آن

ملعون حضور دارد و مشغول

عملیات است.

مقصد نهایی شیطان، فتح دل شما

و استقرار در دل شما است. این

ملعون از همه‌چیز استفاده می‌کند

و مقصد نهایی هم دل شما است.

اگر موفق شود در دل شما ساکن

شود، فاتحه شما خوانده است.

شیطان در دل‌ها رفت و آمد دارد،

اما اگر آنجا بنشیند، دیگر کار

تمام است. دل، حرم خدا است و

اگر شیطان آنجا مستقر شود، به

موفقیت کامل رسیده است.

حوزه‌های عملیات شیطان

در منطقه‌ی ادراکی و شناختی،

شیطان عملیات بسیار گسترده‌ای

می‌کند و عمده‌اش این است که

اختلال نظام محاسباتی ایجاد کند

و نظام فهم ما را مختل سازد.

برای این منظور از خیال و وهم

استفاده می‌کند. عمده‌ی بهره‌ی

او از خیال و وهم ما است که

خیال، ناظر به امور حسی و

وهم، ناظر به امور معنایی است.

اولین کار شیطان در منطقه‌ی

ادراکی و شناختی، کوچک‌نمایی

است؛ مثلاً در مورد گناهان.

یک‌جا بزرگ‌نمایی می‌کند؛ مثلاً

در مورد طاعات ما. یک مورد

دیگر هم زیانمایی است. دنیا را

تزئین می‌کند تا تولید دل‌بستگی
 شود. اما در منطقه‌ی تحریکی یا
 مورد بعدی در این منطقه، عملی، در دو عنوان فعالیت
 عملیات انشاء یعنی فراموشی و می‌کند. اولین عنوان، عملیات
 غفلت است. مورد بعدی ذکر و معطوف به بازداشتن از رضای
 یادآوری است و در مواردی نظیر الهی و عنوان دوم، هل دادن در
 موقعیت نماز، حافظه‌ی شما را شکستن حریم‌های الهی است.
 حسابی فعال می‌کند. مثلاً من این عملیات هم جوارحی و هم
 یک خاطره‌ی بدی از شما دارم جوانحی است.
 و حال که شما را می‌بینم، آن در منطقه‌ی بازداشتن، شیطان،
 خاطره را به یاد من می‌آورد تا قوه‌ی تحریکی ما را از طریق یأس
 رابطه‌ی من با شما را خراب و تنبلی و تساهل و رعب و ترس
 کند. باز می‌دارد. مثلاً شما می‌خواهید
 دیگر راه شیطان در این منطقه، به میدان جهاد بروید، با ایجاد
 جایگزینی اصل و فرع یا رعب، پای شما را می‌لرزاند.
 حاشیه و متن یا اهم و مهم با در یک موقعیت بچه‌ها همه
 یکدیگر است. گاهی هم در این به زمین چسبیده بودند و زمین
 منطقه تولید شک و ریب نظری را گاز می‌گرفتند. شهید فراهانی
 می‌کند؛ مثلاً انسان می‌گوید آمد و گفت: شیطان مسلط شده.

من پامی شوم تا اینها از جا بکنند. ناگهان بلند شد و الله اکبر گفت و مسلسل یکی از بچه‌ها را برداشت. این جماعت از جا کردند و جلو رفتند. رعب جلوی دشمن این‌گونه است. در روایات آمده که عملیات شیطان عمدتاً در وضو و نماز و جهاد و خدمت به برادران ایمانی متمرکز می‌شود. تربص (انتظار کشیدن) تردید در مقام عمل و تسویف (احاله‌ی به آینده)، از دیگر ترفندهای شیطان است. تا نقطه‌ای می‌برد که انسان از عمل باز می‌ماند.

نواهی الهی است که شامل حرکت دادن و سرعت بخشیدن و سبقت گرفتن می‌شود. واژه‌های قرآنی‌اش، «امر» و «وحی» و «وعده» و «یمنیهم» و «سوسه» و «نزغ» است.

کمین‌گاه‌های شیطان

از صحبت‌های شیاطین این‌طور استفاده می‌شود که عمده‌ی سرمایه‌گذاری شیطان در کمین‌گاه‌ها برای مؤمنین در این موارد است:

۱. در منطقه‌ی وضو و نماز؛
 ۲. مسئله‌ی غضب که از جنس آتش است و به جنس شیطان شباهت دارد؛
- اینها در منطقه‌ی اوامر الهی بود که عملیات شیطان، بازدارندگی بود. منطقه‌ی دوم، منطقه‌ی واداشتن و تحریک و شکستن

۳. خلوت با نامحرم که مربوط به ناحیه‌ی شهوات جنسی است. مال من است. شیطان در زمان تنهایی بیشتری سراغ انسان می‌آید؛ مثل تنهایی در خانه یا تنها خلوت کردند، سومی‌اش شیطان است و استثنا هم ندارد. خوابیدن. جوان‌ترها حواسشان به این مسئله باشد.

چه باید کرد؟

۱. یکی همین کاری است که ما در این جلسه و جلسه قبل داریم انجام می‌دهیم که عبارت باشد از شناخت شیطان. علامه در المیزان تعجب می‌کند که دشمنی با این خصوصیات را چطور نمی‌شناسیم! بزرگ‌تر از ما هنوز شیطان را نشناخته‌اند. یک نفر شیطان را در خواب دیده بود که ریسمان‌هایی دارد. گفت: این ریسمان‌ها برای فلانی و
۴. هنگام قضاوت. بیچاره قاضی‌ها و البته تو و من که دائماً در حال قضاوت درباره‌ی دیگران هستیم.
۵. یک مورد دیگر هم در جهاد است.
۶. مورد دیگر زمان صدقه و خدمت به برادران و خواهران مؤمن است.
۷. مورد دیگر، در زمان بی‌برنامگی

منابع و مأخذ

این نازک‌تر برای فلانی است.
این ریسمان که از همه کلفت‌تر
است، برای شیخ انصاری است.
گفته بود: پس من چه؟ گفته
بود: تو نیاز به ریسمان نداری
و همین‌طور همراه من می‌آیی.
پس اولین کار شناخت بود.

[۱]. اسراء: ۶۵.

[۲]. اعراف: ۱۶ - ۱۷.

[۳]. نساء: ۱۲۰.

[۴]. آل عمران: ۱۷۵.

[۵]. منافقون: ۹.

[۶]. فاطر: ۶.

۲. دومین کار عبارت از ذکر
است؛ اعم از یاد خدای متعال،
ذکر الموت، ذکر الآخره و...
۳. سومین کار عبارت از این است
که انسان فضای بندگی خدای
متعال را برای خودش جدی کند.





افوغها؛ درنگی بر مسئله تعلیم و تربیت

OfoghHa.ir © سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۴۸۵۹۵۹

۲ شنبه‌ها

از ساعت ۱۸ الی ۱۹:۳۰

(۶ ماه اول سال)



تهران، خیابان سرچشمه
مجتمع فرهنگی شهدای هفتم تیر